



مقام معظم رهبری:

اختلافات مدیریت شود تا به درگیری و تشنج منجر نشود

پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی عصر چهارشنبه در دیدار حدود دو هزار نفر از طلاب سراسر کشور، فضلا، اساتید و مدیران حوزه‌های علمیه، وظیفه حوزه‌ها و علمای دین را بیان معارف اسلام...

صفحه ۲

شنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۸ ۵ رمضان ۱۴۴۰ ۱۱ می ۲۰۱۹

تنترها

مسقط و توکیو آماده میانجیگری

صفحه ۲

اولین واکنش‌ها به تصمیم برجای ایران

هشدار آمریکا، نگرانی اروپا، حمایت روسیه

نگرانی هیلاری کلinton از مناقشه ایران-آمریکا

صفحه‌های ۲ و ۱۵

تنها ۱۰روز تا اجرای پروژه جدید بانک مرکزی باقی است

طرح پرابهام رمزها

صفحه ۴

برایان هوک:

بیشتر به عملکرد

قاسم سلیمانی توجه

داریم تا ظریف

وندی شرم:پس از یک سال چه چیزی به دست آوردید؟

صفحه ۳

استاندار معزول گلستان، مشاور شهردار تهران شد

با سبیل رفت با حکم برگشت

صفحه ۱۳

حرف اول

یک اتفاق و چند واکنش

احمد طالبی‌نژاد . منتقد



وزیر بهداشت برای چندمین بار به شیوع افسردگی در جامعه اشاره می‌کند که منشأ بسیاری از بیماری‌های روحی و جسمی است و از رسانه‌ها می‌خواهد فقط تلخ‌ها و سیاهی‌های جهان را به رخ ما نکشند و از زیبایی‌ها و شادمانی‌هایش هم بگویند و به سمع‌ونظر مردم برسانند تا دست‌کم این‌همه ناامیدی و تلخی که حاصل از چیزی جز تباهی و روی آوردن به مواد مخدر و مسکرات نیست، کنترل شود.
باور کنید آمار گرایش جوانان به این نابودگران عقل‌وهوش و جسم‌وحاج بسیار متاثرکننده‌تر از آمار و ارقام رسمی است. مقامات اصلی کشور هم در سخنان خود پیوسته از سوق‌دادن جامعه به شادی و نشاط گفته‌اند و می‌گویند. طبیعی است برای شادبودن و نشاط داشتن، به پیش‌فرض‌هایی ازجمله داشتن دل خوش نیاز است. «مرد بقال از من پرسید چند من خربزه می‌خواهی، من به او گفتم دل خوش سیری چنده؟». این را سهراب سپهری، هم‌شهری جناب وزیر بهداشت گفته است. او می‌دانست برای شادزیستن پیش از هر چیز دل خوش لازم است. به ضرب و زور و تشویق‌های ساختگی نه می‌توان کسی را شاد و پرنشاط کرد و نه عاشق. رسانه‌های رسمی شب و روز در کار تبلیغ هستند؛ اما به محض بروز نمونه‌هایی از شادمانی و تخلیه هیجانات درونی، فریاد برخی بلند می‌شود. درزکردن تصویر یکی، دو کلاس درس دبستانی در فضای مجازی که بچه‌ها سر کلاس و احتمالا پیش از ورود معلم و در حیاط مدرسه همراه با صدای نکره یک خواننده درپیتی اقدام به حرکات موزون کرده‌اند، خشم یکی از نمایندگان مجلس را برانگیخته و خواستار تذکر مجلس به وزیر آموزش‌وپرورش شده و حتی حکم صادر کرده که مدیران این مدارس باید اخراج شوند. به این نماینده گرامی پیشنهاد می‌کنم به جای برخوردهایی از این دست، به ریشه‌یابی علل گرایش بچه‌ها به لجبازی با مربیان و معلمان خود و بروز تمایلات درونی خود در هر فرصت ممکن بپردازند. رقص ازجمله هنرهایی است که در فرهنگ عرفانی ما، به‌عنوان یکی از راه‌های بیان احساس و عواطف درونی، بسیار مورد احترام بوده است؛ اما آنچه در میهمانی‌ها و مجالس خصوصی دیده می‌شود، رقص نیست. مشتی حرکات بی‌مغنا و ناموزون است، از جنس همین کاری که بچه‌ها در مدرسه کرده‌اند و باعث خشم و غضب نماینده محترم شده.

ادامه در صفحه ۲



گزارش تحلیلی «شرق» از پیام اتحادیه اروپا در شرایط کنونی

معامله بر سر اینستکس

صفحه ۴



گفت‌وگو با محمدرضا تاجیک درباره بهنگامی و

نابهنگامی تصمیمات سیاسی

اکنون چه باید کرد؟

• **نابهنگامی دیگر، نابهنگامی «معرفت‌شناختی» است که به‌لحاظ معرفتی اصحاب تصمیم در یک عالم معنایی سیر می‌کنند که در تاریخ و سنت قفل شده است**

• **اصلاح‌طلبان باید از خودِ اکنونشان فاصله بگیرند**

• **به یک جهاد اکبر نیاز داریم**



چه سرنوشتی روبه‌رو بودیم. مسیبان آن روزها البته همواره پاسخ‌های روشنی داشته‌اند؛ شرایط ایجاب می‌کرد.از دل این سؤالات و رفتارهایی که همواره بسا آن مواجه بودیم، فرضیه‌ای مطرح می‌شود با عنوان اینکه ما در تصمیم‌گیری‌ها دچار نابهنگام‌بودگی بوده‌ایم؛ یعنی اخذ تصمیماتی که به هر دلیلی بسا زمان و زبان جامعه منطبق نبوده است. برای روشن شدن و درستی و نادرستی این فرض سلسله گفت‌وگوهایی در دستور کار روزنامه قرار دارد که در این خصوص با محمدرضا تاجیک به گفت‌وگو نشستیم. درباره نابهنگام‌بودگی صحبت کردیم و به واکاوی دلایل آن و سپس راهکارهای پیشنهادی پرداختیم. ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید:

کا در ابتدا تعریفی از سیاست‌های نابهنگام و بهنگام داشته باشید و اینکه تعبیر شما از سیاست‌های نابهنگام چیست؟

از چند منظر می‌توان درباره امر نابهنگام صحبت کرد؛ یکی از منظر تاریخی است. وقتی از یک امر نابهنگام از منظر تاریخی صحبت می‌کنیم، یعنی امری که در تاریخ نیست؛ فراتاریخ و پیشاتاریخ یا پساتاریخ است. یعنی موضوعی که

درباره آن صحبت می‌کنیم یا پیش از واقعه یا پس از واقعه است؛ پس به‌لحاظ تاریخی در تاریخ نیست و جایی بیرون از تاریخ و زمان قرار دارد. در این میان، گاهی «بهنگامی» معنای «درخوربودن» را می‌گیرد. «درخوربودن» یعنی تصمیم و تدبیر شما در‌خور آن حادثه‌ای باشد که رخ داده است؛ در‌خور مشکلی باشد که قرار یا با تصمیم شما مرتفع شود و اگر نتواند مشکل را فهم کند و درکی از مشکل داشته باشد، نمی‌تواند تدبیری در رفع آن داشته باشد. در این صورت «نابهنگامی» دیگری حادث می‌شود که عرصه سیاست را دچار مشکل می‌کند. نابهنگامی دیگر «ایپستمولوژیکال» یا نابهنگامی «معرفت‌شناختی» است، به این معنا که به‌لحاظ معرفتی اصحاب تصمیم و تدبیران در یک عالم معنایی و زیست‌جهان معنایی سیر می‌کنند که به جایی در گذشته تاریخ و سنت قفل شده است؛ اما آنچه در جامعه ما حادث می‌شود، مدرن یا پستمدرن است. در این حالت «نابهنگامی» و شکاف و فاصله میان آنچه در جامعه حادث می‌شود و دستگاه معنایی که این حادثه را معنا می‌کند، به وجود می‌آید. دستگاه زبانی یا به تعبیر لکانی، دستگاه نامدین، آستر

ادامه در صفحه ۶

یادداشت

چرا تبلیغ معنویت دیده نمی‌شود؟

می‌تواند تأثیرگذار باشد. کاری که تلویزیون برای آن برنامه مدونی ندارد و به‌جای آن با تکرار برنامه‌های کلیشه‌ای بلندمدت خود فکر می‌کند که توانسته رسالت خود را به نحو مطلوب به انجام برساند اما در واقعیت قضیه، همان برنامه‌های شعاری که بدون نیازسنجی واقعی به تولید رسیده‌اند، منجر به نوعی مقاومت و سرخوردگی بین جوانان شده است؛ مسئله‌ای که در محفل‌های غیررسمی از آن به نام «دین‌گریزی» تعبیر می‌کنند. مدت‌هاست عناصر تدبیر و مخاطب‌شناسی در این رسانه فراگیر، حضور چشمگیری ندارد. عموما افرادی مجری کار می‌شوند که رسانه‌ای نیستند بلکه شاید با سفارش آمده باشند. گویا دروازه سازمان به این پاشنه می‌چرخد تا اشخاص موردنِياز و متخصص رسانه و اجرا، در سایه بایستند یا به شکل ناگواری تخطئه شوند. حال با توجه به مسئله کم‌کاری رسانه، می‌توان به این تکت‌مضارب‌ها دل‌خوش کرد اما بحث این است که نکته تشویقی گزارشگر فوتبال را چند نفر در آن شب واقعا شنیده‌اند؟ روزه‌داری یک بازیکن سرشناس که اصالتا مصری است اما محبوبیت جهانی دارد، می‌تواند پیام مهمی برای جامعه مستعد دینی باشد؛ چنانکه یک کارتون پرمحتوا یا بحث روان یک کارشناس شاداب

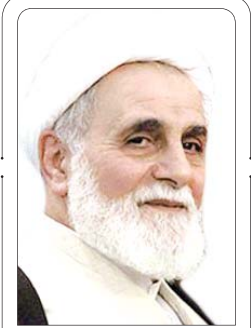
ادامه در صفحه ۴

احمدی‌نژاد که آمد، ناطق‌نوری رفت

اصولگرایان باز هم ناطق را پشیمان کردند

گروه سیاست: «کاش مانند همه این شش سال نمی‌رفتیم»؛ این احتمالا زمزمه‌ای است که اکبر ناطق‌نوری هنگام خروج از محل ضیافت افطاری محمدرضا باهنر زیر لب با خود زمزمه کرده است. او شش سال پیش هم به این ضیافت...

صفحه ۲



سال شانزدهم ۰ شماره ۳۴۴ ۱۶ صفحه ۴۰۰۰ تومان

سرمقاله

سال تصمیم بزرگ

احمد غلامی . سردبیر



ایران بعد از ضرب‌الاجل ۶۰روزه در شرایط «تصمیم بزرگ» قرار دارد؛ تصمیمی که می‌تواند آینده کشور را رقم بزند، آینده‌ای که چندان دور نیست. آینده خیلی نزدیک به اکنون. مانند مادر آجستنی که هم باردار گذشته است، هم حال و آینده. حامل هم‌زمانی دردناکِ این زمان‌هاست. گذشته تاریخی ایران، درست یا نادرست چنان به اکنون ما پیوند خورده که رودرویی با آینده را اجتناب‌ناپذیر کرده است. در مقاطع مختلفی از تاریخ گذشته ایران مسئولان ناکزیر شدند با آینده رودرو شوند. استراتژی تأخیر در تصمیم، استراتژی رایج سیاست دنیاست که با دست‌کاری حال، آینده اثرگذاری‌اش را از دست می‌دهد؛ اما در هم‌زمانی گذشته، حال و آینده ناکزیر باید تصمیم گرفت و دست به انتخاب زد. انتخاب یعنی حذف. حذف چیزهایی که شاید دلبسته آن باشیم. حذف این دلبستگی یعنی «هزینه فرصت»؛ چیزی را هزینه می‌کنید تا فرصتی را به دست آورید. معنای «تصمیم بزرگ» در همین رویکرد نهفته است. آنچه تصمیم‌گیری را سخت می‌کند، باور به یک گفت‌وگو است. در هم‌زمانی زمان‌ها که منجر به تصمیم‌های بزرگ می‌شود یا باید دعوت به مقاومت کرد یا مذاکره. این موقعیت در تاریخ نه‌چندان طولانی انقلاب اسلامی بی‌سابقه نیست. تسخیر نابهنگام سفارت آمریکا و آزادی نابهنگام‌تر گروگان‌ها و پایان‌دادن به جنگی که نابهنگام آغاز شد و شاید نابهنگام به اتمام رسید، نمونه‌های بارز این وضعیت‌ها هستند. تاریخ ما مملو از «تصمیم بزرگ» است. تصمیم‌هایی که گاه بهنگام یا نابهنگام بوده‌اند. اکنون با فاصله‌گیری از هم‌زمانی زمان‌ها به‌راحتی می‌توانیم مصدق و کنش‌های سیاسی‌اش درباره ملی‌شدن صنعت نفت را فضاوت کنیم. اینک عملکرد خام‌سازانه رضاشاه در تغییرات و تحولات اجباری اجتماعی که همان موقع هم ناممکن بود، مضحک به نظر می‌رسد. تصمیم‌های مضحکی که بسیاری با اقتدار پشت آن ایستادند. کشف حجاب اجباری در عرصه اجتماعی همان‌قدر مضحک بود که اصرار و پافشاری عراق‌آمیز رضاشاه در کشیدن راه‌آهن سراسری به همه‌نقاط ایران. به گناه تاریخ ۲۶۰ میلیون داری که در همه صنایع سرمایه‌گذاری شده بود، معادل پول سرمایه‌گذاری‌شده در راه‌آهن سراسری بود. این سرمایه‌گذاری توان توسعه صنعتی کشور را تحلیل برد. بخش دولتی به خاطر بالابودن هزینه تولید و سود اندک، زیان‌ده بود و همه کارخانه‌های دولتی ضرر می‌دادند. هرچند ایران دوران رضا شاه در قیاس با دوران قاجار به پیشرفت‌های بزرگی دست پیدا کرده بود، اما همچنان در دهه ۱۲۲۰ از سایر کشورهای خاورمیانه نظیر ترکیه و مصر عقب‌تر بود. نکته اساسی در این گواه تاریخی جماندگی ایران از ترکیه و مصر است. آن هم در دوره‌ای که بسیاری به آن می‌بالند؛ چون به آن دلبستگی ایدئولوژیک دارند. بازگردیم به هم‌زمانی زمان‌ها، موقعیتی که در آن ناکزیر باید تصمیم بزرگ گرفت و با انتخاب دست به حذف زد، هزینه‌ای داد تا فرصتی ایجاد شود. تلخ‌ترین تصمیم‌های تاریخی زمانی گرفته شدند که با ناکزیری، اکراه و ناباوری همراه بودند. باورنداشتن به هم‌زمانی زمان‌ها و ناهم‌زمانی با آنچه در پیش‌روی اصحاب قدرت است؛ چنین بود مشروطه نساکم. هم‌زمانی زمان‌های طبقات اجتماعی در مقابل ناهم‌زمانی دربار و عوامل آن قرار گرفته بود و شاهان (مظفرالدین شاه، محمدعلی شاه) و درباریان مانند گذشته در سیطره رؤیاهای معرفت‌شناختی خودشان بودند و بی‌خبر از تحولاتی که در طبقات اجتماعی رخ داده بود، ابتدا روبه‌روی جنبش ایستادند و بعد تن به شکست دادند و چون به مشروطه باور نداشتند، تلاش کردند آن را به شکست بکشانند تا بر خاکسبز رؤیاهای یک ملت حکومت کنند. این همان نابهنگامی معرفتی است. در تصمیم بزرگ، هم‌زمانی معرفتی نکته اساسی در تصمیم‌گیری‌هاست. اغلب تصمیم‌های نادرست از دل این ناهم‌زمانی معرفتی سر برمی‌آورد. ایستادن در برابر خواسته مردم در جنبش مشروطه‌خواهی تا بر خاکسبز رؤیاهای آن از سر قدرت‌طلبی نبود. در کنار قدرت‌طلبان قاجار و دربار طیف‌های گوناگونی از روحانیون و روشنفکران در ناهم‌زمانی کامل با مردم به سر می‌بردند. گاه از جنبش مردمی عقب‌تر بودند و گاه از آنان جلوتر و جلوتر‌ها درصدد بودند که با سزارین، ملتی را هم‌زمانِ خویش کنند.

ادامه در صفحه ۲